

## خصوصیات شعر حافظ

### -1 قدرت تصویر

یکی از خصوصیات شعر حافظ، قدرت تصویرهاست و این از چیزهایی است که کمتر به آن پرداخته شده است. تصویر در مثنوی چیز آسان و ممکن است. لذا شما تصویرگری فردوسی را در شاهنامه و مخصوصا نظامی را در کتابهای مثنوی مشاهده می‌کنید، که طبیعت را چه زیبا تصویر می‌کند. این کار در غزل کار آسانی نیست، بخصوص وقتی که غزل باید دارای محتوا هم باشد. تصویر با آن زبان محکم و با لطافت‌های ویژه شعر حافظ و با مفاهیم خاصش چیزی نزدیک به اعجاز است، چند نمونه‌ای از تصویرهای شعری حافظ را می‌خوانم. چون روی این قسمت تصویرگری شعر حافظ گمان می‌کنم کمتر کار شده است ببینید چقدر زیبا و قوی به بیان و توصیف و توصیف می‌پردازد:

در سرای مغان رفته بود و آبزده

نشسته پیر و صلایی به شیخ و شابزده

سبوکشان همه در بندگیش بسته کمر

ولی ز ترک کله چتر بر سحابزده

شعاع جام و قدح نور ماه پوشیده

عذار مغبچگان راه آفتابزده

گرفته ساغر عشرت فرشته رحمت

ز جرعه بر رخ حور و پری گلابزده

تا می‌رسد به اینجا که:

سلام کردم و با من به روی خندان گفت

که‌ای خمارکش مفلس شرابزده

چه کسی هستی و چکاره‌ای و چگونه‌ای، سوال می‌کند تا می‌رسد به اینجا:

وصال دولت بیدار ترسمت ندهند

که خفته‌ای تو در آغوش بخت خوابزده

پیام شعر حافظ را ببینید چقدر زیبا و بلند است و شعر چقدر برخوردار از استحکام لفظی که حقیقتاً کم نظیر است هم از لحاظ استحکام لفظی و هم در عین حال، اینگونه تصویرگری سرای مغان و پیر و مغیجگان را نشان می‌دهد و حال خودش را تصویر می‌کند، تصویری که انسان در این غزل حافظ مشاهده می‌کند چیز عجیبی است و نظایر این در دیوان حافظ زیاد است. همین غزل معروف:

دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند

گل آدم بسرشتند و به پیمانہ زدند

ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت

به من راه‌نشین باده مستانه زدند

یک ترسیم بسیار روشن از آن چیزی است که در یک مکاشفه یا در یک الهام ذهنی یا در یک بینش عرفانی به شاعر دست داده است و احساس می‌کند که این را به بهترین زبان ذکر می‌کند و اگر ما قبول کنیم - که قبول هم داریم- که این پیام عرفانی است و بیان معرفتی از معارف عرفانی، شاید حقیقتاً آن را به بهتر از این زبان به هیچ زبانی نشود بیان کرد. تصویرگری حافظ یکی از برجسته‌ترین خصوصیات اوست، برخی از نویسندگان و گویندگان نیز ابهام بیان حافظ را بزرگ داشته‌اند و چون درباره‌اش زیاد بحث شده من تکرار نمی‌کنم.

## -2 شورآفرینی شعر حافظ

از خصوصیات دیگر شعر حافظ شور آفرینی آن است. شعر حافظ شعری پر شور است و شورانگیز. با اینکه در برخی از اشکال که شاید صبغه غالب هم داشته باشد. شعر رخوت و بی‌حالی است، اما شعر حافظ شعر شورانگیز و شورآفرین است.

سخن درست بگویم نمی‌توانم دید

که می‌خورند حریفان و من نظاره کنم

\*\*\*\*

در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد

حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

\*\*\*\*

ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم

ای بی‌خبر ز لذت شرب مدام ما

\*\*\*\*

حاشا كه من به موسم گل ترك مي كنم

من لاف عقل مي زنم اين كار كي كنم